انترناسیونال 796

آرش دشتی

**آلترناتیو همین جاست!**

از سال ۸۸ و مشخصا از اعتراضات سراسری دی ماه ۹۶ ، عده ای و در راس آن ها، ورشکستگان سیاسی و سازمان ها و احزاب حاشیه ای و بنگاه های تبلیغاتی اصلاح طلبان در بوق های گلوگرفته شان می دمند که بخشی از مردم به جان آمده، در خیابانند ولی رهبری و آلترناتیو و سازمانده وجود ندارد!

اما خروش متحدانه ی ماه های اخیر نشان داد که ذره بینی که گرد شهر به دنبال رهبری می گردد،

زنگ زده است. زنگ زده است چون نمی بیند، نمی تواند ببیند، یعنی اساسا نمی خواهد ببیند.

اگر فریاد نه به حجاب زنان از فردای انقلاب ۵۷ را نمی شنوند، اگر کارزارهای نه به اعدام را نمی بینند، اگر سنگسار توسط مردم مردود و قرون وسطایی تلقی شده تا جایی که حکومت جرات ندارد کسی را سنگسار کند، اگر کار کودکان تقبیح و منفور شده است، اگر امروز کارگران نیشکر هفت تپه و فولا‌د فریاد می زنند: « نان،کار، آزادی؛ اداره ی شورایی» و این خواسته، گفتمان دانشجویان و معلمان و رانندگان و‌ بازنشستگان و خلاصه؛ گفتمان جامعه می شود، این درجه ای از عروج جنبش چپ اجتماعی است که چهل سال است در متن و بطن اعتراضات و اعتصابات، ورز داده شده و صیقل خورده است.

رهبری انقلاب بیش رو و در راه و آلترناتیو آینده ی ایران با چه زبانی و با کدام عرض اندام، ظاهر شود؟

فشار و سرکوب و کشتار چهل ساله، مگر گذاشته است تا سازماندهی و رهبری عیان و آشکار در جنبش سرنگونی ظاهر شود و با نام و نشان واقعی اش در صفوف اعتراضات بدرخشد؟!

اما علیرغم همه ی خونپاشی ها، امروز این کارگران هستند که با شعارهای روشن و شفافتر از هر زمان دیگری، مهر و نشان رهبری و هژمونیک خود را بر اعتراضات و اعتصابات مردم زده است.

هر گونه همنوایی با جریانات متوهم مبنی بر اینکه آلترناتیو وجود ندارد! ندیدن واقعیت های جنبش و جامعه است.

وقتی جریانات راست از سلطنت طلب و جبهه ملی و کوروش پرست ها و اصلاح طلبان به تکاپو افتاده اند تا از نمد اعتراضات مردم و جنبش سرنگونی برای خود کلاهی بدوزند و جالب تر اینکه حکومت از کیهان حسین شریعتمداری تا روزنامه ی رسالت و امام جمعه ی شوش و شوشتر و اهواز بعد از سال ها سکوت، زبان باز کرده اند که مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و سندیکای شان، « کارگری- کمونیستی» است، فقط کورانی که ذره بین زنگ زده در دست دارند، از دیدن حضور آشکار رهبری و آلترناتیو عاجزند.

آیا با توجه به فضای سرکوب و زندان و شکنجه رهبران و چهره های علنی جنبش کارگری و جنبش معلمان و حقوق کودک آن توازن قوای سیاسی لازم برای بردن نام حزب کمونیست کارگری فراهم شده است؟ دور نیست روزی که نام این حزب علنا بر تارک مبارزات مردم بدرخشد!

رژیم با این سرکوبها راه بجایی نخواهد برد و راه نجاتی برایش متصور نیست! جنبشهای اعتراضی روز بروز قویتر و قویتر پیش میتازند.

امروزه ‌ بااین درجه از سطح عروج جنبش کارگری و اجتماعی و حضور لحظه به لحظه ی حزب کمونیست کارگری و تلویزیون ۲۴ ساعته ی کانال جدید، هر جریانی که ذره ای واقع بینی و انصاف و شجاعت داشته باشد، باید از نقش مادی و معنوی این حزب نام ببرد.